

## مروری جامع بر مدیریت سود (بخش دوم)

دکتر محسن دستگیر

استاد دانشگاه شهید چمران اهواز

سید احسان حسینی

دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۱۶، تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱۸

### چکیده

هدف صورت‌های مالی، ارائه اطلاعاتی قابل اتکا درباره وضعیت، عملکرد و انعطاف پذیری مالی است که برای استفاده کنندگان صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی، مفید واقع شود. بنابراین می‌توان گفت در صورت دستکاری صورت‌های مالی، به هدف و فلسفه وجودی صورت‌های مالی خدشه وارد می‌شود. به علاوه وجود بسترهایی چون تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکیت و مدیریت از یک طرف و بروز رسوایی‌های مالی از طرف دیگر، بر اهمیت موضوع مدیریت سود افزوده‌اند. برای جلوگیری و کنترل مدیریت سود، باید روش‌های محدودکننده آن را شناخت. به منظور اثربخشی هرچه بیشتر این روش‌ها نیز لازم است شناختی عمیق از الگوها و تکنیک‌های اعمال مدیریت سود کسب نمود. لذا شاهد انجام تحقیقات زیادی در حوزه الگوها، ابزارها و روش‌های محدودکننده مدیریت سود هستیم. در این مقاله تلاش گردیده است تا مروری جامع بر این موضوع با تاکید بر تحقیقات داخلی و خارجی انجام گرفته، ارائه گردد. بدین منظور به بررسی الگوها، ابزارها و روش‌های محدودکننده مدیریت سود پرداخته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** ابزارهای مدیریت سود، الگوهای مدیریت سود، خانه تکانی، روش‌های محدودکننده مدیریت سود، مدیریت سود واقعی.

## ۱- مقدمه

هدف صورت‌های مالی مطابق با بند ۱-۱ مفاهیم نظری استانداردهای حسابداری ایران، ارائه اطلاعاتی تخلیص و طبقه بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده کنندگان صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع شود. رقم سود نیز یکی از اجزای اطلاعات صورت‌های مالی است که در تصمیم‌گیری اشخاص برون‌سازمانی جهت برآورد ارزش سرمایه‌گذاری (از طریق برآورد وجوه نقد آتی دریافتی شرکت)، ارزیابی عملکرد شرکت، ارزیابی نقش حسابداری مدیران و غیره موثر است. حال سوال این جاست آیا امکان دارد این اطلاعات به صورت صحیح ارائه نشوند؟ مسلماً با عنایت به بسترهایی چون تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکیت و مدیریت، امکان تحریف و دست‌کاری اطلاعات توسط مدیریت وجود دارد. به‌علاوه در عمل نیز تحریف‌ها و رسوایی‌های مالی جهانی و نتایج اسف‌بار آنها نظیر ورشکستگی شرکت‌هایی چون انرون<sup>۱</sup> و ورلدم کام<sup>۲</sup> را نیز به چشم می‌بینیم. امکان وجود چنین تحریف‌ها و دست‌کاری‌های سود در صورت‌های مالی و همچنین عواقب چنین کاری مانند ورشکستگی، ایجاد زیان‌های بزرگ برای اجتماع و سلب اعتماد عموم مردم از صحت رویه‌های حسابداری بر اهمیت موضوع مدیریت سود می‌افزاید.

در دو دهه اخیر موضوع مدیریت سود بخش قابل توجهی از ادبیات تحقیقات در حوزه حسابداری را به خود اختصاص داده است. تحقیقات انجام گرفته در حوزه مدیریت سود را

---

1. Enron  
2. Worldcom

می‌توان به شش بخش فرضیه‌ها، انگیزه‌ها، الگوها، ابزارها، روش‌های محدودکننده و مدل‌های اندازه‌گیری تفکیک نمود. هدف مقاله حاضر، ارائه مروری جامع بر الگوها، ابزارها و روش‌های محدودکننده مدیریت سود است.

## ۲- تعریف مدیریت سود

در ادبیات حسابداری تعاریف مختلفی در مورد مدیریت سود توسط محققین ارائه شده است. ارائه تعریفی مناسب از مدیریت سود مستلزم شناخت روش‌های اعمال مدیریت سود و نتایج آن است. هلی و والن<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) معتقدند مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارش‌گری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارش‌گری مالی دست‌کاری می‌نمایند. این هدف یا به قصد گمراه نمودن برخی از صاحبان سهام در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت صورت می‌گیرد، یا به منظور تاثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود مشخصی می‌باشد. جونز و شارما<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) معتقدند مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با استفاده از قضاوت در گزارش‌گری مالی، ساختار مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذی‌نفعان درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا تحت تاثیر قرار دادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارش‌گری مالی تغییر ایجاد می‌کنند. همان‌طور که مشخص است در تعاریف فوق، به روش‌های مدیریت سود و نتایج اعمال آن اشاره شده است.

## ۳- الگوهای مدیریت سود

شرکت‌ها می‌توانند با توجه به شرایط و انگیزه‌هایی که دارند از الگوهای مختلفی برای مدیریت سود استفاده کنند. الگوی مدیریت سودی که یک شرکت اعمال می‌کند ممکن است

---

1 . Healy and Wahlen

2 . Jones and Sharma

در طول زمان تغییر کند. برخی از این عوامل عبارتند از تغییر مفاد قراردادها، تغییر سطح سودآوری، تغییر مدیرعامل، نیاز به تأمین مالی، تغییر در وضعیت سیاسی شرکت و غیره. این الگوها در ادامه تشریح می‌گردند.

۳-۱- **به حداکثر رساندن سود:** عموماً در شرکت‌هایی که انگیزه‌های مربوط به منافع شخصی در آن‌ها شدید است، این الگو حاکم می‌باشد. به عنوان مثال در شرکت‌هایی که پاداش، همبستگی زیادی با عملکرد شرکت دارد [۳۵]. همچنین شرکت‌هایی که نیاز به تأمین مالی دارند، جهت ارائه تصویر بهتری از شرکت و در نتیجه تحمل هزینه سرمایه کمتر، ارائه این الگو محتمل است [۶۴]، [۴۰]. در مورد شرکت‌هایی که به مرحله نقض مفاد قرارداد وام نزدیک می‌شوند نیز باید منتظر ارائه این الگوی مدیریت سود بود. چرا که این گونه شرکت‌ها برای فرار از نقض مفاد قرارداد وام و تحمل هزینه‌های بسیار سنگین، انگیزه فراوانی برای مدیریت سود در جهت افزایش سود دارند [۶۸]، [۱۱].

۳-۲- **خانه تکانی (استقبال از زیان)**<sup>۱</sup>: ایتو<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) الگوی «خانه تکانی» را این چنین تعریف نمود: «تلاش جهت افزایش سود در سال‌های آینده به وسیله انتقال هزینه‌های دوره‌های آتی به دوره جاری. این اقدام باعث بدتر شدن سود در دوره‌ای می‌گردد که سود کسب شده واقعی قابل قبول نیست». هنگامی می‌توان منتظر بروز این الگو بود که شرکت رفتار آشفستگی مالی، تجدید ساختار و زیان است و یا اینکه به سود استاندارد و پیش‌بینی شده دست نیافته است. از آنجایی که میزان این زیان و اختلاف با سود مورد انتظار، تفاوت چندانی در وضعیت شرکت و به خصوص مدیر نخواهد داشت، مدیر اقدام به مدیریت سود کاهنده کرده و این زیان را بیشتر می‌کند. شرکت با این کار زیان‌های آینده را در این دوره شناسایی کرده و احتمال افزایش سود در دوره‌های آتی را افزایش می‌دهد. هلی (۱۹۸۵) در مقاله خود مدیرانی

---

1. *Taking a bath*

2. *Itoh*

را معرفی می‌کند که سود خالص شرکت آن‌ها، از حداقل مبلغ مندرج در برنامه پاداش کمتر است و احتمالاً از چنین الگویی استفاده می‌کنند.

**۳-۳- به حداقل رساندن سود:** این الگو مشابه الگوی «خانه تکانی» است؛ با این تفاوت که با شدت کمتری مدیریت سود کاهنده در آن اعمال می‌گردد. شرکت‌هایی که از لحاظ سیاسی در معرض دید و توجه عموم هستند، هزینه‌های زیادی را به خاطر این وضعیت متحمل می‌گردند و لذا ترجیح می‌دهند این الگوی مدیریت سود را در پیش بگیرند [۴۳]. به علاوه شرکت‌هایی که انگیزه کاهش مالیات دارند نیز از این الگو استفاده می‌کنند [۵۵]. در مورد شرکت‌هایی که تغییر مدیرعامل داشته‌اند نیز ممکن است انگیزه کاهش سود وجود داشته باشد؛ که در آن موارد نیز استفاده از این الگو محتمل است [۲۸]، [۱۴].

**۳-۴- هموارسازی سود:** نوسان‌های سود طی دوره‌های متوالی، اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به آینده شرکت کاهش می‌دهد و متعاقب آن بر قیمت سهام تأثیر منفی می‌گذارد [۴۷]. هموارسازی سود بیانگر تلاش مدیریت برای کاستن نوسان‌های سود است تا حدی که در محدوده‌ی خط‌مشی حسابداری و مدیریت، منطقی و قابل قبول باشد [۲۶]. بنابراین انگیزه‌های اصلی هموارسازی سود عبارت است از کاهش ریسک شرکت از طریق افزایش قدرت پیش‌بینی سرمایه‌گذاران، افزایش قیمت و بازده سهام و کاهش هزینه‌های استقراض [۲۳]، [۹]. البته در تحقیقات، انگیزه‌های دیگری نیز برای هموارسازی سود مطرح شده است؛ به عنوان مثال می‌توان به افشای اطلاعات محرمانه [۶۶]، [۱۶]، افزایش محتوای اطلاعاتی سود [۷۲]، حفظ موقعیت مدیر در شرکت [۳۰] و مالیات بر درآمد [۱۰] اشاره کرد.

#### ۴- ابزارهای مدیریت سود

مدیران ممکن است به روش‌های مختلفی روی سودهای گزارش شده اثر بگذارند و آن را مدیریت نمایند. به این روش‌ها و تکنیک‌های مختلف مدیریت سود، ابزارهای مدیریت سود گفته می‌شود. ابزارهای مدیریت سود را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

#### ۴-۱- مدیریت سود واقعی

مدیریت سود واقعی عبارتست از عملیاتی از ناحیه مدیریت که از عملیات عادی تجاری انحراف دارد و با هدف دستیابی به آستانه خاصی از اعداد حسابداری صورت می‌پذیرد [۶۵]. به عبارت دیگر «مدیریت سود بر اساس فعالیت‌های واقعی» روشی است که مدیر برای رسیدن به سطح سود مورد نظر خود، تصمیمات واقعی اخذ می‌کند؛ به عنوان مثال به منظور افزایش سود، میزان هزینه تبلیغات را کاهش می‌دهد. ملاحظه می‌گردد که در این نوع مدیریت سود تغییرات ملموس اقتصادی در شرایط شرکت داده می‌شود. بنابراین این نوع مدیریت سود منجر به هزینه‌های اقتصادی واقعی نیز برای شرکت می‌شود [۲۲]. در ادامه برخی از انواع این نوع مدیریت سود عنوان می‌گردد.

۴-۱-۱- **دستکاری مخارج اختیاری:** مخارج اختیاری از قبیل هزینه‌های تحقیق و توسعه، پاداش مدیران و کارکنان، هزینه تبلیغات و هزینه‌های عمومی، اداری و فروش انعطاف‌پذیری زیادی دارند و مدیران از تعدیل این هزینه‌ها برای دست یافتن به سطح سود مورد نظر استفاده می‌کنند. مدیریت سود با اعمال این شیوه، در تحقیقات بسیاری گزارش شده است [۵۶]، [۳۴]، [۳۲].

۴-۱-۲- **دستکاری فروش:** عبارت است از تلاش مدیران در جهت افزایش موقتی سطح فروش در طی سال به وسیله پیشنهاد تخفیفات فروش یا شرایط آسان‌گیرانه برای فروش [۶۵].

جکسون و ویلکوکس<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که مدیران در چهارمین فصل سال مالی، برای جلوگیری از گزارش زیان، کاهش سود و فروش، سیاست‌های مربوط به فروش و قیمت‌گذاری (از قبیل اعطای تخفیف و کاهش قیمت فروش) خود را تغییر می‌دهند. همچنین روی چادری (۲۰۰۶) شواهدی یافت که نشان می‌داد شرکت‌ها به منظور افزایش فروش، در قیمت‌ها تخفیف می‌دهند.

**۴-۱-۳- دستکاری تولید:** این نوع از دستکاری واقعی سود، مربوط به تولید بیش از حد کالا است. با این عمل، بهای تمام شده هر واحد کالا کاهش و حاشیه فروش (سود) افزایش می‌یابد؛ که البته این کار هزینه‌های تولید، نگهداری و فرصت زیادی را به شرکت تحمیل خواهد کرد [۶۵].

**۴-۱-۴- فروش دارایی‌های غیر جاری:** شرکت‌ها از طریق فروش دارایی‌های غیر جاری و شناسایی سود و زیان نیز اقدام به مدیریت سود می‌کنند. همچنین سیاست فروش و اجاره مجدد دارایی‌های غیر جاری را نیز می‌توان در این طبقه گنجانده. مدیریت سود با اعمال این شیوه، در تحقیقات بسیاری گزارش شده است [۲۴]، [۳۹]، [۵].

#### **۴-۲- مدیریت اقلام تعهدی**

اقلام تعهدی از تفاوت بین سود عملیاتی و وجوه نقد حاصل از عملیات ایجاد می‌گردد، که شامل هزینه استهلاک، تغییرات در دارایی‌ها و بدهی‌های جاری می‌باشد. مدیریت اقلام تعهدی روشی است که در آن مدیر بدون تاثیرگذاری بر وجه نقد و بدون اخذ تصمیمات واقعی اقتصادی، تنها در بستر دفاتر حسابداری اقدام به مدیریت سود می‌کند. لازم به ذکر است در این

---

1. Jackson and Wilcox

نوع مدیریت سود نیز همانند «مدیریت سود بر اساس فعالیت‌های واقعی»، مبلغ سود و زیان شرکت تغییر می‌کند. در ادامه برخی از انواع این نوع مدیریت سود تشریح می‌شود.

**۴-۲-۱- تغییر در اصول و رویه‌های حسابداری:** اصول پذیرفته شده حسابداری در بسیاری از موارد کاربرد روش‌های مختلفی را مجاز می‌داند که هر یک از این روش‌ها منجر به مبلغ متفاوتی سود (زیان) می‌گردد. به عنوان مثال می‌توان به روش‌های مختلف استهلاک، ارزیابی موجودی کالا، روش‌های مختلف حسابداری دارایی‌های ثابت مشهود، نامشهود و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت<sup>۱</sup> اشاره کرد. در برخی از تحقیقات استفاده از انعطاف اصول پذیرفته شده حسابداری به عنوان روشی برای مدیریت سود اثبات شده است [۳۶].

**۴-۲-۲- انجام برآورد و تغییر دادن آن:** از آنجایی که انجام برآورد و تخمین جزء خصوصیات ذاتی حسابداری است، استانداردهای حسابداری تغییر در برآورد را اجازه داده‌اند؛ به طوری که شرکت نیاز به تجدید ارائه و ثبت اثرات انباشته تغییر در برآورد را نیز ندارد. لذا مدیران می‌توانند از این روش برای مدیریت سود استفاده کنند. در جهت اعمال مدیریت سود، برخی از مصداق‌های تغییر در برآورد عبارتند از: تغییر عمر مفید و ارزش اسقاط دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود<sup>۲</sup>، تغییر درصد برآورد هزینه (ذخیره) مطالبات مشکوک‌الوصول، انجام برآورد دلخواه از درصد پیشرفت کار در پیمان‌ها، سرمایه‌ای یا دوره تلقی کردن برخی هزینه‌ها مثل هزینه تحقیق و توسعه و غیره.

**۴-۲-۳- اعمال اختیار در شناسایی درآمد و هزینه:** به منظور شناسایی درآمد شرط‌هایی باید محقق شود<sup>۳</sup>؛ لذا در صورت مدیریت این شرط‌ها می‌توان مدیریت سود اعمال

---

۱. منظور سرمایه‌گذاری در کمتر از ۲۰ درصد از سهام شرکت سرمایه‌پذیر است.

۲. تنها دارایی‌های نامشهود معین دارای عمر مفید هستند.

۳. استاندارد شماره ۳ حسابداری ایران، بند ۱۵.



نمود. به عنوان مثال در بند ۱۶ استاندارد شماره ۳ حسابداری ایران چنین آمده است: «برای این که زمان انتقال مخاطرات و مزایای مالکیت به خریدار را بتوان تعیین کرد، لازم است شرایط معامله مورد بررسی قرار گیرد. در اغلب حالات، انتقال مخاطرات و مزایای مالکیت با انتقال مالکیت قانونی به خریدار یا تصرف مورد معامله توسط خریدار همراه است. مواردی نیز وجود دارد که مخاطرات و مزایای مالکیت در زمانی متفاوت از زمان انتقال مالکیت قانونی یا تصرف توسط خریدار انتقال می‌یابد». بنابراین مدیری که قصد مدیریت سود افزاینده را دارد می‌تواند با تنظیم و مدیریت مفاد قرارداد و کنارگذاری موجودی کالا در انبار، فروش را شناسایی کند. به عنوان مثالی دیگر زمانی که خریدار حق فسخ معامله را بر اساس مفاد قرارداد داشته باشد و واحد تجاری در مورد برگشت کالای فروش رفته مطمئن نباشد، اگر تمامی شرایط دیگر برقرار باشد، شرکت نباید درآمد را شناسایی کند (استاندارد شماره ۳ حسابداری ایران، بند ۱۷). مدیر شرکت از این گزاره می‌تواند در جهت اعمال مدیریت سود کاهنده استفاده کند. ونوس و همکاران (۲۰۰۶) شواهدی از مدیریت سود با استفاده از استاندارد حسابداری شماره ۱۵ گزارش کردند.

**۴-۲-۴- اشتباهات حسابداری :** اشتباهات را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود؛ اشتباهات عمدی و غیرعمدی. معمولاً اشتباهات غیر عمدی به دلایل مختلفی از جمله درک اشتباه از قوانین پیچیده حسابداری و خطای سیستم حسابداری رخ می‌دهند. در عین حال، این احتمال وجود دارد که به دلیل دستکاری هدفمند حسابداری و به قصد متقاعد کردن سرمایه‌گذاران مبنی بر عملکرد خوب شرکت باشد [۲۹]. اصلاح اشتباهات باید از طریق اصلاح مانده سود (زیان) انباشته ابتدای دوره در صورت‌های مالی منعکس گردد (استاندارد حسابداری شماره ۶، بند ۳۸) و لذا اصلاح اشتباهات تأثیری در صورت سود و زیان نخواهد گذاشت. اکثر تحقیقات تا اندازه‌ای تجدید ارائه‌های سود را؛ اعلام رسمی شرکت مبنی بر انجام مدیریت سود در دوره پیش می‌دانند [۶۳]، [۲۰]، [۲۱].

#### ۴-۳- مدیریت ارائه اطلاعات

خصوصیات کیفی اطلاعات مالی به خصوصیات اطلاعاتی اطلاق می‌گردد که موجب می‌شود اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی برای استفاده کنندگان مفید واقع شود. این خصوصیات کیفی به دو بخش مرتبط با محتوا و مرتبط با ارائه اطلاعات تقسیم می‌شوند. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برای مفید بودن اطلاعات مالی نه تنها محتوای اطلاعات، بلکه چگونگی ارائه آن‌ها نیز حائز اهمیت است. به عبارت دیگر چگونگی ارائه اطلاعات در برداشت استفاده کنندگان از اطلاعات موثر است. بنابراین این احتمال وجود دارد که مدیران به وسیله مدیریت کردن ارائه اطلاعات، بر برداشت استفاده کنندگان از موفقیت شرکت در رسیدن به اهدافش تأثیرگذار باشد. لازم به ذکر است در این نوع مدیریت سود، مبلغ سود دستکاری نمی‌شود. در ادامه برخی از اقسام این نوع از مدیریت سود تبیین می‌گردد.

۴-۳-۱- **مدیریت برداشت:** مدیریت برداشت طیفی از ادبیات افشای مالی است که تلاش‌های مدیریت در جهت مدیریت برداشت و تفسیر از گزارش‌های مالی را بررسی می‌کند [۳۱]، [۳۳]. یکی از جنبه‌های مهم این موضوع، بررسی ارتباط اطلاعات مالی و غیرمالی از طریق نمودارهاست.

تأثیرات نمودارها بر برداشت استفاده کنندگان [۲۷]، [۵۴] و اطلاعاتی که به وسیله نمودارها منتقل می‌شود [۴۹]، [۵۰] در بسیاری از تحقیقات مستندسازی شده است. به‌علاوه تحقیقات قبلی اثبات کرده‌اند که ارائه نموداری اطلاعات بسته به حوزه تصمیم‌گیری بر برداشت و تصمیم‌گیری استفاده کنندگان صورت‌های مالی تأثیرگذار است [۵۹]، [۶۷]، [۷۰].

۴-۳-۲- تغییر طبقه بندی: حالت دیگر مدیریت ارائه اطلاعات، تغییر در طبقه‌بندی اقلام است. مک‌وی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در تحقیق خود نشان داد مدیران به صورت فرصت‌طلبانه هزینه‌های اصلی<sup>۲</sup> (مثل بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های اداری و فروش) را به عنوان اقلام استثنایی گزارش می‌کنند. این اقدام اگرچه باعث تغییر سود خالص نمی‌شود اما سود عملیاتی را بهتر نشان می‌دهد.

۴-۳-۳- انتقال درآمد و هزینه درون گروهی: انتقال سود درون گروهی به وسیله بیتی و هریس<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) و کرول<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) اثبات شد. آن‌ها شواهدی مبنی بر انتقال درآمد از یک شرکت فرعی به شرکت فرعی دیگر برای بهینه کردن میزان مالیات و سود گزارش شده و همچنین ایجاد منفعت بیشتر و سرمایه‌گذاری مجدد و دائمی سود گزارش نمودند.

#### ۵- چگونه مدیریت سود محدود و کنترل می‌شود

مدیریت سود می‌تواند تبعاتی منفی داشته باشد. برای مثال می‌توان به کاهش اعتبار گزارشگری برون‌سازمانی، هزینه‌های دعوی قانونی، کاهش قیمت و بازده سهام [۷۱]، [۱۲]، کاهش عملکرد آتی شرکت [۳۴]، [۶۴]، [۶۹]، [۱۸]، کاهش مربوط بودن اطلاعات مالی [۴]، [۱۵]، [۱۷] و کاهش شهرت و اعتبار شرکت اشاره کرد. این عواقب منفی مانعی بر سر راه این رفتار می‌باشد. به اعتقاد اکسی<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۳)، میزانی که مدیریت سود، عملکرد واقعی را مبهم کند و توانایی سهامداران را برای اخذ تصمیمات آگاهانه تقلیل دهد؛ ما می‌توانیم مدیریت سود را یک هزینه نمایندگی ببینیم. بنابراین کنترل و کاهش مدیریت سود موضوعیت و چه بسا

---

1. McVay

2. Core Expenses

3. Beatty and Harris

4. Krull

5. xie

ضرورت دارد. جهت محدود کردن مدیریت سود روش‌های مختلفی وجود دارد که در ادامه برخی از آن‌ها ذکر می‌شود.

**۵-۱- استانداردهای حسابداری:** هنگامی که استانداردهای حسابداری برای شرکت‌ها حق انتخاب قائل می‌شوند، ممکن است شرکت‌ها اقدام به مدیریت سود نمایند. رامش و روسین<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) نشان دادند هنگامی که به بانک‌ها در مورد پذیرش و زمان‌بندی دو استاندارد حسابداری جدید (SFAS ۱۰۶ و ۱۰۹) حق انتخاب داده شد، آن‌ها تاثیر هر یک از دو استاندارد را بر سود گزارشی و ترازنامه سنجیدند. لذا یکی از راه‌های کاهش مدیریت سود (به‌وسیله مدیریت اقلام تعهدی) وضع استانداردهای حسابداری سخت‌گیرانه‌تر می‌باشد. هنگامی که استانداردها به قصد جلوگیری از مدیریت سود وضع می‌شوند، ممکن است بسیار دقیق از کار درآمده و اجازه تقریباً هیچ انتخاب روش‌های حسابداری را نمی‌دهند. حال سوال این‌جاست که آیا این راه منتج به جلوگیری از مدیریت سود شده و اثربخش بودن و مربوط بودن سود گزارشی را افزایش می‌دهد؟ نتایج تحقیقات با این ایده موافق نیستند. در برخی از تحقیقات اثبات شده است که در صورت سخت‌گیرانه بودن استانداردها و عدم امکان مدیریت سود از طریق مدیریت اقلام تعهدی، شرکت‌ها از طریق فعالیت‌های واقعی مدیریت سود می‌کنند [۶۰]، [۲]. در نتیجه می‌توان گفت دقت استانداردهای حسابداری به خودی خود برای کنترل مدیریت سود کافی نیستند.

**۵-۲- حسابرسی مستقل:** حسابرسی مستقل به عنوان رکن اعتباربخشی صورت‌های مالی، نقشی اساسی در کنترل مدیریت سود دارد. هرچه حسابرسی از کیفیت مطلوب‌تری برخوردار باشد، بهتر می‌تواند مدیریت سود را کنترل نماید. در تحقیقات مختلف چندین شاخص برای عملیاتی کردن مفهوم کیفیت حسابرسی استفاده شده است. تخصص صنعتی حسابرس یکی از

---

1. Ramesh and Revsine

این شاخص‌هاست. در تحقیقات مختلف رابطه منفی بین تخصص صنعتی حسابرس و وجود مدیریت سود مشاهده شده است [۵۱]، [۷۳]، [۳]. در برخی دیگر از تحقیقات از «سهم از بازار حسابرس» به عنوان شاخصی از کیفیت حسابرسی، استفاده شده است [۸]. دیگر شاخص کیفیت حسابرسی که مکرراً استفاده می‌شود، اندازه حسابرس است. در پژوهش‌های متعدد، شرکت‌های حسابرسی بزرگ، در کنترل مدیریت سود موفق‌تر از شرکت‌های کوچک، شناخته شده‌اند [۴۶]، [۵۸]، [۵۳]، [۴۵]، [۶]، [۱۹].

**۵-۳- ویژگی‌های شرکت:** وجود برخی خصوصیات، رویه‌ها و نهادها در شرکت‌ها باعث می‌گردد مشکلات ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت کاهش یافته و شرکت در مسیر از پیش طراحی شده راهبری گردد. به علاوه این خصوصیات، رویه‌ها و نهادها باعث تنظیم روابط شرکت با ذینفعان شده و موجب تامین اهداف پاسخگویی، شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذینفعان می‌گردد. به مجموعه این خصوصیات، رویه‌ها، قوانین و نهادها، حاکمیت شرکتی گفته می‌شود. برخی از ارکان حاکمیت شرکتی با ساختار هیات مدیره، استقلال هیئت مدیره، وجود کمیته حسابرسی، ساختار مالکیت، ساختار حسابرسی و ساختار سرمایه مرتبط می‌باشند. طبق مطالعات انجام شده، کیفیت ساختار حاکمیت شرکتی، رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت را کاهش و منافع سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد. به طور کلی، تحقیقات تجربی یک رابطه مستقیم میان مکانیزم‌های حاکمیتی و اتکاءپذیری به گزارشگری مالی را نشان می‌دهند [۴۸]، [۶۱]. تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که شرکت‌های با گزارشگری نادرست، حاکمیت شرکتی ضعیف دارند [۳۸]. در ایران نیز با انجام تحقیقاتی، برخی از ارکان حاکمیت شرکتی به عنوان محدودکننده مدیریت سود معرفی شده‌اند [۱]، [۷]، [۱۳].

## ۶- نتیجه گیری

در صورت عدم توجه به موضوع مدیریت سود، فلسفه وجودی صورت‌های مالی که همانا ارائه اطلاعاتی معتبر جهت اخذ تصمیمات اقتصادی است، مخدوش می‌گردد. به علاوه تحریف‌ها و رسوایی‌های مالی جهانی و نتایج اسف‌بار آن‌ها و همچنین عواقبی مانند ورشکستگی، ایجاد زیان‌های بزرگ برای اجتماع و سلب اعتماد عموم مردم از صحت رویه‌های حسابداری، توجه هرچه بیشتر بر موضوع مدیریت سود را طلب می‌کند. جهت جلوگیری و کنترل مدیریت سود، روش‌هایی چون تقویت حاکمیت شرکتی، حسابرسی مستقل با کیفیت و وضع استانداردهای حسابداری مناسب پیشنهاد شده است. برای اثربخشی هرچه بیشتر این روش‌ها لازم است الگوها و ابزارهای مدیریت سود به خوبی شناخته شوند. لذا در مقاله حاضر به الگوها، ابزارها و روش‌های محدودکننده مدیریت سود با تاکید بر تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده در این حوزه، پرداخته شد. با بررسی تحقیقات داخلی، خلأهایی در حوزه تحقیقات احساس می‌گردد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱- در مورد وجود یا عدم وجود الگوی «خانه تکانی»، تحقیقات تجربی کمی انجام شده است.
- ۲- همان‌طور که گفته شد، یکی از ابزارهای اعمال مدیریت سود عبارت از «مدیریت سود از طریق ارائه اطلاعات» می‌باشد. گرچه تحقیق در مورد برخی از انواع این ابزار در ایران موضوعیت ندارد؛ اما به سایر انواع این ابزار مثل «تغییر طبقه بندی» و «انتقال درآمد و هزینه درون گروهی» نیز بهایی داده نشده است.
- ۳- در مورد بررسی انواع و اقسام مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته نشده در بورس اوراق بهادار تهران نیز، کمبود جدی وجود دارد.

## **Comprehensive review of earnings management (part 2)**

**Mohsen Dastgir (Ph.D)**

Professor of Islamic Azad University of Isfahan

**Seied Ehsan Hosseini**

PHD student of Isfahan University

### **Abstract**

The objective of financial statements is to provide reliable information about the financial position, performance and changes in financial position of an enterprise that is useful in making economic decisions. So If the financial statements are manipulated, their philosophy is damaged. In addition, factors like information asymmetry and conflict of interests between ownership and management and financial scandals have heightened the importance of earnings management issue. To control of it, a deep understanding of earnings management limiting methods is necessary. To these methods to be effective, it is necessary to know about patterns and techniques of earnings management. Hence much research has been done on the patterns, techniques and limiting methods of earnings management. In this paper we have done a comprehensive review of the subject with emphasis on research conducted in Iran and Foreign Countries. Therefore, after defining of earnings management, we investigate patterns, techniques and limiting methods of it.

**Key words:** Earnings management techniques, Earnings management patterns, taking a bath, limiting methods of earnings management, Real activity manipulation.

## منابع

۱. آقای، محمد علی و چالاکی، پری، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، شماره ۴، صص ۷۷-۵۴.
۲. آقای، محمد علی، عادل، آذر و اکبر جوان، علی، (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه جایگزینی دستکاری فعالیت‌های واقعی و دستکاری اقلام تعهدی اختیاری"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۲، صص ۴۰-۱۹.
۳. آقای، محمد علی و ناظمی اردکانی، مهدی، (۱۳۹۱)، "تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری"، دانش حسابرسی، شماره ۴۶، صص ۱۷-۴.
۴. آهنگری، عبدالمجید و شاکری، امیر، (۱۳۸۸)، "تأثیر مدیریت سود بر میزان مربوط بودن سود و ارزش دفتری با ارزش بازار سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، حسابداری مالی، شماره ۳، صص ۶۸-۵۴.



۵. ابراهیمی کردلر، علی و ذاکری، حامد، (۱۳۸۸)، "بررسی مدیریت سود با استفاده از فروش دارایی‌ها"، **فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۳، صص ۱۳۵-۱۲۲.
۶. ابراهیمی کردلر، علی و سیدی، سیدعزیز، (۱۳۸۷)، "نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۵۴، صص ۱۶-۳.
۷. احمدپور، احمد، ملکیان، اسفندیار و کردتبار، حسین، (۱۳۸۸)، "بررسی تأثیر مدیران غیر موظف و سرمایه‌گذاران نهادی در رفتار مدیریت سود (مدیریت سود مبتنی بر مدل آستانه)"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۳، صص ۸۷-۶۸.
۸. اعتمادی، حسین، آذر، عادل و ناظمی اردکانی، مهدی، (۱۳۸۹)، "بررسی نقش تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیاتی آتی"، **دانش حسابداری**، شماره ۱، صص ۲۸-۹.

۹. انصاری، عبدالمهدی و خواجه‌جوی، حسین، (۱۳۹۰)، "بررسی ارتباط هموارسازی سود با قیمت بازار سهام و نسبت‌های مالی"، **پژوهش‌های حسابداری مالی**، شماره ۸، صص ۳۳-۵۰.
۱۰. پورحیدری، امید و افلاطونی، عباس، (۱۳۸۵)، "بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۴، صص ۷۰-۵۵.
۱۱. ثقفی، علی و بهارمقدم، مهدی، (۱۳۸۷)، "محرک‌های مؤثر بر مدیریت سود"، **مجله توسعه و سرمایه**، شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۰۳.
۱۲. جبارزاده لنگرلویی، سعید، محمدزاده سالطه، حیدر، بایزیدی، انور و مونس خواه، غلامرضا، (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه مدیریت سود شرکت‌های گروه (تلفیقی) با بازده سهام شرکت اصلی در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، شماره ۱۱، صص ۹۱-۱۰۶.
۱۳. حساس یگانه، یحیی، شعری، صابر و خسرونژاد، سید حسین، (۱۳۸۷)، "رابطه ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، نسبت بدهی‌ها، اندازه شرکت با مدیریت سود"، **مطالعات حسابداری**، شماره ۲۴، صص ۷۹-۱۱۵.

۱۴. حسینی، سید احسان، (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه بین تغییر مدیریت و مدیریت سود"،

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۵. خدادادی، ولی، تاکر، رضا و زارع زاده مهریزی، محمد صادق، (۱۳۸۹)، "بررسی

تاثیر مدیریت سود بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری: مقایسه ارقام تعهدی اختیاری

کوتاه مدت و بلند مدت"، **حسابداری مالی**، شماره ۵، صص ۷۵-۵۷.

۱۶. رحمانی، علی و بشیری منش، نازنین، (۱۳۹۰)، "بررسی اثر هموارسازی سود بر

آگاهی بخشی قیمت سهام"، **پژوهش‌های حسابداری مالی**، شماره ۹، صص ۵۴-

۳۹.

۱۷. عرب‌مازار یزدی، محمد و مصطفی‌زاده، محمود، (۱۳۸۷)، "اثر مدیریت سود بر

مربوط بودن معیارهای سود و ارزش دفتری در تعیین ارزش شرکت: مقایسه ارقام

تعهدی اختیاری کوتاه مدت و بلندمدت"، **مطالعات حسابداری**، شماره ۲۳، صص

۱-۱۸.

۱۸. قربانی، سعید، جوان، علی اکبر و ناظمی اردکانی، مهدی، (۱۳۸۹)، "تاثیر مدیریت

واقعی سود بر بازده آتی دارایی‌ها"، **فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی**،

شماره ۲۸، صص ۸۹-۱۰۶.

۱۹. کردستانی، غلامرضا و رحیمی، مصطفی، (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه بین کیفیت

حسابرسی با هزینه سرمایه سهام عادی و مدیریت سود"، **فصلنامه مطالعات**

**حسابداری**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۲۶، صص ۹۲-۷۲.

20. Abdullah, S. N., Mohamad-Yusof, N. Z., Mohamad-Nor, M. N., (2010), "Financial restatement and corporate governance among Malaysian listed companies", **Managerial Auditing Journal**, Vol. 25, No. 6, PP. 526-552.
21. Agrawal, A. and Chadha, S., (2005), "Corporate governance and accounting scandals", **Journal of Law and Economics**, Vol. 48, PP. 371-406.
22. Bar-Gill, O. and Bebchuk, L., (2003), "Misreporting corporate governance", Harvard University, Working paper.
23. Barnea, A., Ronen, J. and Sadan, S., (1976), "Classificatory smoothing of income with extraordinary items", **The Accounting Review**, Vol. 52, No. 2, PP. 110-122.
24. Bartov, E., (1993), "The Timing of Asset Sales and Earnings Manipulations", **the Accounting Review**, Vol. 68, No. 4, PP. 840-55.
25. Beatty, A. and Harris, D. G., (2001), "Intra-Group, Interstate Strategic Income Management for Tax, Financial Reporting and Regulatory Purposes", **the Accounting Review**, Vol. 76, No. 4, PP. 515-536.

26. Beidleman, C. R., (1973), "Income Smoothing: The Role of Management", **the Accounting Review**, Vol. 48, No. 4, PP. 653-667.
27. Cleveland, W. S., (1985), **the Elements of Graphing Data**, Wadsworth.
28. Cotter, J., Stokes, D. and Wyatt, A., (1998), "An analysis of factors influencing asset write-downs", **Accounting and Finance**, Vol. 38, PP. 157-180.
29. Ettredge, M., Kevin Y., Susan S., and Lili S., (2010), "How Do Misstatements Begin? Evidence of Biased Financial Reporting Preceding Misstatements", **Journal of Business Finance and Accounting**, Vol. 37, No. 3, PP. 332-355.
30. Fudenberg, K. and Tirole, J., (1995), "A theory of income and dividend smoothing based on incumbency rents", **Journal of Political Economy**, Vol. 103, No. 1, PP. 75-93.
31. Gibbins, M., Richardson, A. and Waterhouse, J., (1990), "The Management of Corporate Financial Disclosure: Opportunism, Ritualism, Policies and Processes", **Journal of Accounting Research**, Vol. 28, No. 1, PP. 121-143.
32. Graham, J., R. Harvey, and Rajgopal, S., (2005), "The economic implications of corporate financial reporting", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 40, No. 1, PP. 3-73.

33. Graves, O. F., Flesher, D. L. and Jordan, R. E., (1996), "Pictures and the Bottom Line: The Television Epistemology of US Annual Reports", **Accounting, Organizations and Society**, Vol. 21, No. 1, PP. 57-88.
34. Gunny, K., (2005), "What are the consequences of real earnings management?", University of Colorado, Working paper.
35. Healy, P., (1985), "The effect of bonus schemes on accounting decisions", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 7, PP. 85-107.
36. Healy, P. and Palepu, K. G., (1993), "The effect of firms' financial disclosure policies on stock prices", **Accounting Horizons**, Vol. 7, PP. 1-11.
37. Healy, P., Wahlen, J., (1999), "A review of the earnings management literature and its implication for standard setting", **Accounting Horizons**, Vol. 13, No. 4, PP. 365-383.
38. Heninger, W. G., Kim, Y. and Nabar, S., (2009), "Earnings misstatements, restatements, and corporate governance", **Journal of Forensic and Investigative Accounting**, Vol. 1, No. 2, PP. 1-35.
39. Herrmann, D., Inoue, T. and Thomas, W. B., (2003), "The Sale of Assets to Manage Earnings in Japan", **Journal of Accounting Research**, Vol. 41, No. 1, PP. 89- 108.

40. Iatridis, G. and Kadorinis, G., (2009), "Earnings management and firm financial motives: A financial investigation of UK listed firms", **International Review of Financial Analysis**, Vol. 18, PP. 164-173.
41. Itoh, K., (2007), **Corporate Valuation**, Nihon Keizai Shimbunsha.
42. Jackson, S. and Wilcox, W., (2000), "Do managers grant sales price reductions to avoid losses and declines in earnings and sales?", **Quarterly Journal of Business and Economics**, Vol. 39, No. 4, PP. 3-20.
43. Jones, J. J., (1991), "Earnings management during import relief investigations", **Journal of Accounting Research**, Vol. 29, PP. 193-228.
44. Jones, S. and Sharma, R., (2001), "The Impact of Free Cash Flow, Financial Leverage and Accounting Regulation on Earnings Management in Australia Old and New Economics", **Journal of Managerial Finance**, Vol. 27, PP. 18-39.
45. Jordan, C. E. and Clark, S. J. and Hames, C. C., (2010), "The Impact Of Audit Quality On Earnings Management To Achieve User Reference Points In EPS", **Journal of Applied Business Research**, Vol. 26, No. 1, PP. 19-30.
46. Kim, J. B., Chung, R. and Firth, M., (2003), "Auditor Conservatism, Asymmetric Monitoring and Earnings

- Management", **Contemporary Accounting Research**, Vol. 20, No. 2, PP. 323-359.
47. Kirsschenheiter, M. and Melumad, N., (2002), "Can Big Bath and Earning Smoothing co-exist as Equilibrium Financial Reporting Strategies?", **Journal of Accounting Research**, Vol. 40, No. 3, PP. 761-796.
48. Klein, A., (2003), "Audit committee, board of director characteristics and earnings management", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 22, No. 3, PP. 375-400.
49. Kosslyn, S. M., (1985), "Graphics and Human Information Processing", **Journal of the American Statistical Association**, Vol. 80, PP. 499 - 512.
50. Kosslyn, S. M., (1989), "Understanding Charts and Graphs", **Applied Cognitive Psychology**, Vol. 3, PP. 185-225.
51. Krishnan, G., (2003), "Does Big 6 Auditor Industry Expertise Constrain Earnings Management?", **Accounting Horizons**, Vol. 17, No. 1, PP. 1-16.
52. Krull, L. K., (2004), "Permanently Reinvested Foreign Earnings, Taxes and Earnings Management", **the Accounting Review**, Vol. 79, No. 3, PP. 745-767.
53. Lai, K. W. and Gul, F. A., (2008), "Was audit quality of Laventhol and Horwath poor?", **Journal of accounting and public policy**, Vol. 27, No. 3, PP. 217-237.



54. Lewandowsky, S. and Spence, I., (1989), "The Perception of Statistical Graphs", **Sociological Methods and Research**, Vol. 18, No. 2-3, PP. 200-242.
55. Lindahl, F. W., (1989), "Dynamic analysis of inventory accounting choice", **Journal of Accounting Research**, Vol. 27, No. 2, PP. 201-226.
56. Mande, V., File R. G. and Kwak, W., (2000), "Income Smoothing and Discretionary R&D Expenditures of Japanese Firms", **Contemporary Accounting Research**, Vol. 17, No. 2, PP. 263-302.
57. McVay, S. E., (2006), "Earnings Management Using Classification Shifting: An Examination of Core Earnings and Special Items", **The Accounting Review**, Vol. 81, No. 3, PP. 501-531.
58. Ming, L., (2007), "Corporate Governance, Auditor Choice and Auditor Switch Evidence from China", A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Hong Kong Baptist University.
59. Moriarity, S., (1979), "Communicating Financial Information through Multi-Dimensional Graphics", **Journal of Accounting Research**, Vol. 17, No. 1, PP. 205-224.
60. Nelson, M. W., Elliott, J. A. and Tarpley, R. L., (2002), "Evidence from auditors about managers' and auditors' earnings

management decisions", **The Accounting Review**, Vol. 77, PP. 175-202.

61. Pergola, T. M., Joseph, G. W. and Jenzarli, A., (2009), "The Effect of Corporate Governance and Board Equity Ownership on Earnings Quality", **Academy of Accounting and Financial Studies Journal**, Vol. 13, No. 4, PP. 14-53.
62. Ramesh, K. and Revsine, L., (2001), "The effects of regulatory and contracting costs on banks' choice of accounting method for other postretirement employee benefits", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 30, PP. 159-186.
63. Richardson, S., Tuna, I., Wu, M., (2002), "Predicting earnings management: the case of earnings restatement", University of Pennsylvania, Pennsylvania, PA, working paper.
64. Romanus, R. N., Maher, J. and Fleming, J., (2008), "Auditor industry specialization, auditor changes and accounting restatements", **Accounting Horizons**, Vol. 22, No. 4, PP. 389-413.
65. Roychowdhury, S., (2006), "Earnings management through real activities manipulation", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 42, No. 3, PP. 335-370.
66. Sankar, M. R. and Subramanyam, K. R., (2001), "Reporting Discretion and Private Information Communication through

- Earnings", **Journal of Accounting Research**, Vol. 39, No. 2, PP. 365-386.
67. Schulz, A. K-D and Booth, P., (1995), "The Effects of Presentation Format on the Effectiveness and Efficiency of Auditors Analytical Review Judgments", **Accounting and Finance**, Vol. 35, No. 1, PP. 107-131.
68. Sweeney, A. P., (1994), "Debt-covenant violations and managers' accounting responses", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 17, No. 3, PP. 281-308.
69. Tan, H. C. and Jamal, K., (2006), "Effect of accounting discretion on ability of managers to smooth earnings", **Journal of Accounting and Public Policy**, Vol. 25, No. 5, PP. 554-573.
70. Taylor, B. G. and Anderson, L. K., (1986), "Misleading Graphs Guidelines for the Accountant", **Journal of Accountancy**, October, PP. 126-35.
71. Teoh, S. H., Welch, I. and Wong, T. J., (1998), "Earnings management and the post-issue performance of seasoned equity offerings", **Journal of Financial Economics**, Vol. 50, PP. 63-99.
72. Tucker, J. W. and Zarowin, P. A., (2006), "Does Income Smoothing Improve Earnings In formativeness?", **The Accounting Review**, Vol. 81, No. 1, PP. 251-270.

73. Van Caneghem, T., (2004), "The impact of audit quality on earnings rounding-up behaviour: Some UK evidence", **European Accounting Review**, Vol. 13, No. 4, PP. 771-786.
74. Venouss, D., Karami, G. and Tajik, K., (2006), "An Investigation of Income Smoothing in Tehran Stock Exchange Utilizing Accounting Standard Number 15 (Accounting for Investments)", **The Iranian Accounting and Auditing Review**, Vol. 43, PP. 163-180.
75. Xie, B., Davidson, W. N. and DaDalt, P. J., (2003), "Earnings Management and Corporate Governance: The Role of the Board and the Audit Committee", **Journal of Corporate Finance**, Vol. 9, No. 3, PP. 295-316.